

بیانات معظم له در دیدار اقشار مختلف مردم در «صحن امام خمینی» حرم حضرت علی بن موسی الرضا (ع) - 3 فروردین / 1374

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين. والصلاة والسلام علي سيدنا و نبينا و حبيب قلوبنا، ابي القاسم المصطفى محمد و علي آله الأطيبين الأطهرين المنتجبين، الهداة المهديين المعصومين، سيما بقية الله في الارضين. قال الله الحكيم في كتابه: «من المؤمنين رجال صدقوا ما عاهدوا الله عليه فمنهم من قضا نحبه و منهم من ينتظر و ما بدلوا تبديلا.» قبل از آغاز صحبت، از همه برادران و خواهران خواهش مي كنم كه چون امروز برابر است با روز هفتم فرزند عزيز و يادگار گرامي امام بزرگوارمان، و اين جلسه و دیدار هر ساله ما و شما در چنين روزي تشكيل شده است، براي اين كه آن عزيز از دست رفته ما، از اين جلسه فيض بيشتري ببرد، همه حضار - چه كساني كه در داخل صحن تشریف دارید و چه كساني كه در بيرون صحن هستيد - هر کدام يك «حمد» و «قل هو الله» براي روح ايشان بخوانيد. ... اولاً به همه برادران و خواهران عزيز و مردم مؤمن، وفادار و باخلاص شهر مقدس مشهد و همچنين زوار و مسافري كه در اين روزها اين جا تشریف دارید، اين عيد را تبريك عرض مي كنم. اين، فرصت خوبي است كه در زير سايه مرقد مطهر علي بن موسي الرضا، عليه الصلاة والسلام سال جديد را شروع كنيم. مطلبي را كه من امروز در نظر گرفته ام عرض كنم، هم يك معرفت ديني است، هم با مسائل انقلاب و كشور و مسائل جاري جهان ارتباط دارد و هم زمينه اي براي كساني است كه مايلند در زمينه هاي اسلامي كار و تحقيق كنند. آن مطلب، به طور خلاصه، مطلبي است كه عرض مي كنم:

در همه اديان و مذاهب، بلكه در همه تمدنها و فرهنگهاي عالم، اموري هست كه مردم بايد انجام دهند و صفتهايي هست كه بايد آن صفتها را براي خودشان به وجود آورند. اينها، ارزشهاست. كارها و صفتهايي هم هست كه مردم بايد از آنها دوري كنند. اينها، ضد ارزشهاست. هم در اديان و هم در فرهنگهاي دنيايي، امور و صفاتي داريم كه ضد ارزش است و اگر كسي بخواهد خود را به هدف دين برساند، بايد از آنها دوري كند. در تمدنهاي بزرگ جهاني هم، چيزهايي را مشخص مي كنند كه از نظر آنها ضد ارزش است.

مردم، گروهها و اجتماعات، بايد از ضد ارزشها اجتناب كنند. همه جا، چيزهايي هست كه از نظر دين، مكتب يا آن تمدن يا فرهنگ خاص، مطرود و منفي است كه بايد كنار گذاشته شود. در عرف شرعي و ديني، به اين ضد ارزشها، «محرمات» يا امور مذموم و صفات زشت مي گویند. همچنين، در همه جا، ارزشهايي هست كه اگر مورد توجه قرار نگیرند و رعايت نشوند، نمي توان به هدفهايي كه دين، تمدن و فرهنگ به آنها دعوت مي كنند، رسيد. اگر عده اي ارزشهاي فرهنگي يا ديني را دنبال كنند؛ مثلاً واجبات يا مستحبات را انجام دهند، اما از محرمات خودداري نکنند، به آن هدفها نمي رسند. مثل اين است كه بيماري، داروي معالج را مصرف كند، اما از آنچه براي او مضر است، پرهيز ننمايد. در اين صورت، دارو براي او اثر مثبت يا لااقل اثر چشمگيري نخواهد داشت و به او بهبودي نمي بخشد. لذا وقتي ما با دیدگاه اسلام به مسأله نگاه مي كنيم، مي بينيم در شرع مقدس اسلام، بايدها و نبايدها، هر دو در کنار هم ذكر شده است. اگر بخواهيم به هدفهاي اسلامي برسيم، لازم است هم بايدها را ملاحظه كنيم هم نبايدها را. در گذشته، كساني كه مايل نبودند مردم به هدفهاي اسلامي برسند، گاهي بايدها را رعايت مي كردند، اما نبايدها را رعايت نمي كردند. مثلاً - فرض بفرماييد - رژيم جبار ستمشاهي، گاهي براي تظاهر به مسلماني، اسمي از خدا و پيغمبر و امام مي آورد. اينها، بايدها بود. يا گاهي تظاهر به نماز خواندن مي كردند. مثلاً شخصي در جايي تصادفاً نمازي خوانده بود؛ عكس او را پخش و تظاهر مي كردند كه «بله؛ گاهي اينها نماز هم مي خوانند.» يا قرآني چاپ و منتشر مي كردند. كارهاي كوچكي از اين قبيل، از آنها سر مي زد. اما نبايدها را رعايت نمي كردند؛ يعني علناً فسق مي كردند و محرمات را انجام مي دادند. علناً با دشمنان خدا، دوستي مي كردند و دوستان خدا را زير فشار و شكجه و قتل و حبس قرار مي دادند.

در روایتی از امام صادق و علیه الصلوة والسلام نقل شده است که فرمود: «ان بني امیة اطلقوا تعلیم الایمان، و لم یطلقوا تعلیم الکفر، لکی اذا حملوهم علیه لم یعرفوه» یعنی بنی امیة اجازه دادند که مردم ایمان را یاد بگیرند و بفهمند ایمان چیست؛ اما اجازه ندادند که مردم بفهمند کفر و فسق چیست! چرا نگذاشتند مردم این را درست بفهمند؟ برای این که اگر خودشان رفتاری کردند که مردم را به سمت کفر و فسق سوق دادند، مردم نفهمند اینها چه کار می کنند، و مشتشان جلو مردم باز نشود. این، رفتار بنی امیة است؛ رفتار طاغوتهاست. گاهی برای خاطر دل مردم، یا تظاهر به هم ایمانی با مردم، اسمی از خدا می آورند؛ اما نمی گذارند در زندگی آنها، نبایدها بر طبق نظر خدا و اسلام، اندکی محو و نابود شود. زندگی شان آلوده است. این، رفتار طاغوتها و نقطه مقابل تعلیمات ائمه علیهم السلام است.

دعای «مکارم الاخلاق» که حقیقتاً هر فقره و جمله از آن، یک معرفت بزرگ است، برای انسان مؤمن یک درس زندگی است. جا دارد کسانی که اهل مطالعه و تدبّر یا اهل دعا و تضرّع هستند، با دعای «مکارم الاخلاق» انس بگیرند و آشنا شوند. در اوایل این دعا، چند جمله هست که خوب و بد را در مقابل هم قرار می دهد. مثلاً «و اجر للتاس علی یدی الخیر...» یعنی خدایا، کار خیر را برای مردم، بر دستان من جاری کن. این، کار خوب. بعد بلافاصله می فرماید: «...و لاتمحقه بالمن». یعنی این کار نیک را با ممت گذاری بر کسانی که برایشان کار نیکی انجام گرفته است، ضایع مکن. «باید» عبارت است از کار خیر کردن برای مردم. «نباید» همان ممت گذاشتن است. یا عرض می کند که «و هب لی معالی الاخلاق»؛ اخلاق برجسته و والا به من عنایت کن. اما «و اعصمني من الفخر»؛ مرا دچار افتخار مکن، که مباهات و افتخار کنم و بگویم بله؛ من فلان اخلاق نیک را دارم. البته در جمله ای قبل از این جملات می گوید: «و اعزّتی و لاتبتلیّتی بالکبر»؛ مرا عزّت ببخش، اما تکبر نبخش.

عزّت خوب است، اما تکبر بد است. رفتار و تعالیم ائمه علیهم السلام این طور است. خوب؛ در باب معارف و فرهنگ اسلامی، قضیه این گونه است. در همه فرهنگها و تمدنها هم، چیزهایی «باید» و چیزهایی «نباید» است. هر ملتی بر حسب نیاز خود، چیزی را انتخاب می کند. کسی حق ندارد به یک ملت دیگر بگوید: آقا! شما چرا با فلان چیز موافقید یا با فلان چیز مخالفید؟ بحث علمی جداست؛ بحث اعتقادی جداست. اما آن جا که ملتی با یک ملت دیگر حرف می زند، این غلط است که بگویند: آقا! شما چرا - فرضاً - در حالت غذا خوردن، مثل ما عمل نمی کنید؟ خوب؛ هر ملتی، عادت و فرهنگی خاص و باید و نبایدهای دارد که معمولاً برطبق نیازها شکل می گیرد. امروز در دنیا، متأسفانه این عادت زشت وجود دارد که سردمداران و قدرتمندان نظامی و مالی دنیا - یعنی همین قدرتهای استکباری عالم - همه ملتهای دنیا را مورد اهانت قرار می دهند که «شما چرا مثل ما زندگی و رفتار نمی کنید؟!» مسأله تهاجم فرهنگی که بنده بارها بر آن تکیه کرده ام، یک بخش عمده اش مربوط به همین قضیه است. فرهنگ غریبهها، درست یا نادرست، مال خودشان است. قانع نیستند به این که ملتهای دیگر به آنها بگویند «فرهنگ شما مال خودتان باشد. ما به شما اعتراضی نمی کنیم که این گونه زندگی می کنید، لباس می پوشید، رفتار می کنید و چنین خلقیاتی دارید.» می گویند: «ملتهای دیگر باید مثل ما رفتار کنند و لباس بپوشند.» اگر فردی در مجامع جهانی و رسمی شرکت کند، فرضاً فلان چیز را به گردنش نبسته باشد، از نظر غریبهها و سردمداران آنها و فرهنگ غربی، کار او مطرود است. «آقا؛ چرا شما این را نمی بندید؟» خوب؛ یک ملت دیگر، متقابلاً، از آنها سؤال می کند: «شما چرا می بندید؟» همان طور که شما آن گونه پسندیدید، آن گونه خواستید، آن گونه لباس می پوشید، آن گونه مد دارید؛ هر ملتی هم برای خودش - فارغ از درستی و نادرستی - فرهنگ، آداب، عادات، عقاید و رسوم دارد. اگر بخواهیم حساب درست و نادرست را پیش بکشیم، بدیهی است که فرهنگ اسلامی و فرهنگی که از وحی الهی سرچشمه می گیرد - یعنی فرهنگ ملتهای اسلامی - درست و متقن است. به هر حال، با قطع نظر از این که کدام درست و کدام نادرست است، هر ملتی باید روی پای خود بایستد و فرهنگ، عقاید، آداب و عاداتش را خودش انتخاب کند. هیچ قدرتی حق ندارد به ملتها بگوید «شما چرا این گونه رفتار می کنید، آن گونه رفتار نمی کنید؟» این غلط است.

البته چیزهایی هم در دنیا هست که از نظر همه ملتها بد و زشت است. ظلم، از نظر همه بد است. تجاوز به بی

گناهان، از نظر هر عقل سالمی، غلط و زشت است. متأسفانه همان قدرتهایی که امروز توقع دارند همه ملت‌ها و کشورها مثل آنها رفتار و از آنها تقلید کنند، این چیزها را رعایت نمی‌کنند. آنها آدمکشی، تجاوز و تعرض می‌کنند و به غارت اموال ملت‌ها می‌پردازند. این خلافها را خودشان انجام می‌دهند؛ آن‌گاه، سخنان صحیح، راه‌های درست و روش‌های متقن ملت‌ها را هم حاضر نیستند تحمل کنند.

خوب؛ این یک مطلب کلّی در باب ارزش‌ها و ضدّ ارزش‌ها بود. «حرام» می‌تواند دینی - ضدّ ارزش‌های دینی -، ملی - هر ملّتی چیزهایی در میان خود دارد که ضدّ ارزش است - یا انسانی و بشری - همه انسان‌ها و بشریت، چیزهایی را بد و ضدّ ارزش می‌دانند - باشد. از نظر شرع مقدّس اسلام و فرهنگ قرآنی، مظهر همه ضدّ ارزش‌ها و بدیها، چیزی است که قرآن اسمش را «شیطان» گذاشته است. در منطق اسلام و قرآن، شیطان مفهوم عامی است که مظهر همه ضدّ ارزش‌ها، بدیها و زشتیهاست. هر چه در قرآن به شیطان نسبت داده شده است، بد است. فساد، کبر، تنبلی، فتنه‌گری، ظلم، دشمنی با خوبان و خوبیها، مال شیطان است.

عزیزان من! آنچه که در آغاز این سال جدید، مایلم با شما در این چارچوب در میان بگذارم، این است که انقلاب بزرگ ما برای ایران و ایرانی و هرکس که این انقلاب را بشناسد، حرکتی نجاتبخش بود. کما این که می‌بینید امروز ملت‌ها همین را شناختند، فهمیدند و به آن رو آوردند. در گرایش به انقلاب عظیم اسلامی و تجلیل و ستایش از آنچه که در ایران اتفاق افتاد، در دنیا غوغاست. خوب؛ انقلاب اسلامی که ایران و ایرانی، بلکه اسلام و مسلمانی را از چنگال قدرتهای اهریمنی و شیطانی نجات داد، باید‌ها و نبایدهایی دارد. باید‌ها، چیزهایی است که انقلاب به انسان انقلابی - که زیر سایه انقلاب زندگی می‌کند - می‌گوید: «باید این را انجام دهی.» نبایدها، چیزهایی است که انقلاب می‌گوید: «نباید این را انجام دهی، برای این که به هدف‌ها برسیم.» تا ایران به برکت انقلاب، به آن هدف‌های عالی خود برسد و زشتیها، فسادها، فتنه‌ها و ویرانی‌هایی که دشمنان ملت ایران در طول سال‌های متمادی در این کشور از خودشان به جا گذاشتند، برطرف شود، باید اینها را رعایت کرد.

من عرض می‌کنم: اگر کسی از بنده - ما که از اوّل انقلاب و پیش از انقلاب از نزدیک تمام قضایا را در هر گوشه کشور زیر چشم داشتیم و مشاهده کردیم - درباره ملت عظیم الشان ایران نسبت به بایدهای انقلاب گواهی بخواهد، من گواهی می‌دهم که ملت ایران، حقّ و انصافاً، باید‌ها و واجبات انقلاب را به بهترین وجه انجام داده است. کدام واجب انقلابی است که ملت ما آن را انجام نداده باشد؟ بالاترین مجاهدتها را این ملت، برای انقلاب انجام داده است. هشت سال جنگ شوخی است؟! هشت سال جنگی که یک طرفش همه قدرتهای نظامی درجه یک دنیا بودند که دست در دست هم قرار دادند و از یک نفر و یک جبهه و جناح حمایت کردند! شوروی سابق، امریکا، ناتو، کشورهای مرتجع عربی و هر کس که امکاناتی داشت، به نحوی کمک می‌کرد. بعضی به سبب دشمنی با ایران، بعضی به خاطر تجارت اسلحه و دولتهای منطقه خلیج فارس هم به علت پول زیادی که داشتند و همه بازارها به روی آنها باز بود، به متجاوز همه رقم کمک نظامی و تسلیحاتی می‌کردند. در یک طرف جنگ هم، این ملت، تنها با اتکا به خدا و با اعتماد به نفس، بزرگترین مجاهدتها را انجام داد. دیگر از این بالاتر؟!!

حضور در صحنه‌های سیاسی، یکی از «باید»های انقلاب است. آحاد ملت ما - اعم از زن و مرد - از سال اوّل پیروزی انقلاب تا امروز، در همه صحنه‌های سیاسی که انقلاب از آنان توقع داشت و هر جا لازم بود که حضور ملت اثبات شود، حضور پیدا کردند. اما برای رادیوهای بیگانه، دروغ گفتن آسان است. دروغ که مانند استخوان در گلوی گوینده آن گیر نمی‌کند! رسانه‌های صهیونیستی و استکباری، دائم علیه جمهوری اسلامی تبلیغات می‌کنند. یکی از قلم‌های عمده تبلیغات آنها، این بود که می‌گفتند «ملت ایران، از اسلام و انقلاب سیر شده است!» خوب؛ این را چه کسی می‌تواند تکذیب کند؟ فرضاً در رادیوی ایران جواب بدهند «نه خیر! سیر نشده‌اند.» با این ثابت می‌شود؟! چطور ثابت می‌شود که ملت ایران به انقلاب، اسلام، ارزش‌ها و هدف‌های عالی، همچنان متمسک است و برای آنها همه هستی، ذهن و جان و تن خود را مایه می‌گذارد، و در صحنه است؟ با حضور مردم. فقط حضور جسم‌های مردم در مقاطع خاص و صحنه‌های مورد نظر - در خیابان‌ها و میدان‌ها - می‌تواند آن تهمت‌ها را خنثی کند.

این مردم مؤمن، وفادار، هوشمند، آگاه و سیاست فهم، آن جا که لازم بود - در 22 بهمن، روز قدس، تشییع جنازه

فرزند امام و مراجع بزرگ تقلید - حضور پیدا کردند. این مردم، به مسؤولین کشورمان و به مردم ساریوو، فلسطین، لبنان و مناطق گوناگون عالم؛ به زلزله زدگان، مهاجرین جنگی و پناهندگان کشورهای دیگر، کمک مالی کردند. مردم ما، واجبات جانی، مالی و سیاسی را خوب انجام دادند. هر جا که انقلاب این ملت را صدا زد، به آن جواب داد. در انتخابات باید شرکت کند؛ شرکت کرد. از یک مسؤول دلسوز باید حمایت کند؛ حمایت کرد.

اینها واجبات انقلاب است. من به شما برادران، خواهران و ملت عزیز ایران عرض کنم: همین پاسخگویی شماست که تا امروز، این انقلاب عظیم را با این همه دشمن، بیمه کرده و دشمن را از صحنه خارج کرده است. دشمنان نمی توانند کاری بکنند. با یک ملت، چه کار می توانند بکنند؟! علیه حکومتی که به مردم متصل نباشد و ریشه نداشته باشد، هزار کار می توانند بکنند و می کنند. لذا، می بینید که دولتها و رژیمهایی که به مردم خودشان وصل نیستند و پشتوانه مردمی ندارند، راحت زیر بار امریکا و دیگران می روند و از ترس، حرفهای آنها را قبول می کنند. اما با انبوه میلیونی یک ملت، آن هم ملت آگاه، مبارز، نترس، اهل خدا و متوکل به خدا و آزموده و آزمایش داده، چه کار می توانند بکنند؟! این همان جایی است که امام بزرگوار در مقابله با دشمنیهای امریکا، مکرر فرمود: «امریکا هیچ غلطی نمی تواند بکند.» هیچ غلطی نمی تواند بکند؛ چون طرف مقابلش یک ملت عظیم است.

عمل ملت در زمینه واجبات انقلاب، خیلی خوب بوده است. انقلاب یک سلسله «نباید»ها و محرّمات هم دارد. آن محرّمات را هم باید در نظر داشت. من در این دو، سه سال اخیر، هر وقت که فرصتی پیدا شده است، راجع به نبایدهای انقلاب، با جوانان، گروههای علاقه مند به پیگیری هدفهای انقلاب و با عموم مردم و جمعیتهای میلیونی، صحبت کرده ام. الان هم اشاره ای می کنم:

نبایدها را هم، مردم خیلی خوب رعایت می کنند. اما گاهی در میان مردم، چیزهایی مشاهده می شود، که خوب است مشاهده نشود. یکی از آنها، همین چیزی است که من در پیام اول امسال به شما مردم عرض کردم: این اسرافها و ریخت و پاشها، جزو نبایدهاست. البته من می دانم عده کثیری از مردم، بخصوص طبقات متوسط، رعایت می کنند. بعضی هم رعایت نمی کنند. اسراف، یک لجنزار است. ریخت و پاش مالی، یک وسوسه شیطانی است. وقتی که شما به برکت هدایت الهی، علی رغم سنگ اندازیهای دشمنان، مثل یک موجود فعال، بانشاط و جوان، سرپا قرار گرفته اید تا بتوانید زندگی را نو کنید و از منابع عظیم ثروت در این کشور استفاده کنید، آن جا شما باید ببینید چه چیزی اندک ضرری می زند؛ دیگر آن را انجام ندهید. اسراف، پرداختن به مصارف زیادی و طمعکاری بعضی از قشرها در به دست آوردن درآمدهای نادرست و ناسالم، از این قبیل است. اینها نباید باشد.

پیغمبر اکرم، حضرت محمد بن عبدالله صلی الله علیه وآله، در اول اسلام - که آن هم صحنه دیگری مثل همین صحنه امروز انقلاب ما بود - با همین قضایا مواجه بود؛ مبارزه می کرد و می جنگید. منتها پیغمبر، فقط یک دوره خاص را ملاحظه نمی کرد؛ بلکه با ملاحظه طول تاریخ، سخنی را می فرمود و مبارزه می کرد. در هر حادثه ای از این قبیل، وحی الهی نازل می شد؛ نفس ملکوتی پیغمبر هم بود. سپس نبی اکرم، مطلب را برای مردم بیان می کرد. لذا شما در قرآن می بینید: «...ولا تسرفوا.» زیاد روی نکنید. در بین علما، این مطلب تقریباً مسلم است که هر گناهی که در قرآن برای آن وعده عذاب داده شده باشد، جزو گناهان کبیره است. اگر با این دید نگاه کنیم، می بینیم خیلی از این کارهایی که به چشم نمی آید، جزو گناهان کبیره است و ما توجه نداریم.

امروز کشور در حال بازسازی است. شما نمی دانید دشمنان این ملت، در طول سلطنت خاندان منحوس پهلوی و قاجار، بخصوص در نیمه دوم سلطنت سلسله قاجاریه، با این کشور چه کردند. منابع حیاتی را تا آن جا که توانستند بردند؛ بعضی را ضایع کردند و به بعضی هم دستشان نرسید. راه آهنی که دولت کریمه جمهوری اسلامی شروع به ساختن آن کرد و چند روز قبل از این، به فضل پروردگار، افتتاح شد، برای کشور لازم بود. در حالی که از روز اولی که راه آهن در این مملکت آمد - بیش از یک قرن پیش - به آن هیچ اعتنایی نشده است. رفتند سراغ راه آهنی که انگلیس و روس لازم داشتند. رضاخان راه آهن سراسری را برای خاطر اتصال منطقه نفوذ انگلیسیها - عراق و جنوب کشور - به منطقه نفوذ روسها در شمال کشور، درست کرد. چنان راه آهنی برای کشور لازم نبود. راه آهن لازم برای این کشور، همین راه آهنی است که جمهوری اسلامی آن را ساخت و بندرعبّاس - اولین بندر مهم ایران در خلیج فارس

- را به مرکز و تمام کشور متصل می کند. این کار در طول صد سال گذشته، انجام نشده بود. از این قبیل کارهای انجام نشده، خیلی هست. خوب؛ این ویرانیها در کشور، بعد از افساد دشمنان و سلاطین دست نشاندۀ و در طول حکومت رضاخان و محمدرضا و قلدان نادان بی سواد بدون حمیت تسلیم قدرتهای خارجی و عیاش، انجام گرفته است. امروز انقلاب می خواهد اینها را آباد کند. از عمر انقلاب، شانزده سال می گذرد که هشت سال از آن، مشغول جنگ بوده ایم. حال ببینید ساختن این کشور چقدر سخت است! چگونه می شود این کشور را ساخت؟ مسؤولین دولتی، دلسوز و کارآمدند. مردم هم به فضل پروردگار در صحنه اند. دشمن می خواهد در این کشور تورّم باشد. برای همین، تومان ایرانی را جعل می کنند تا بتوانند پول این کشور را با همان روشها و فرمولهای اقتصادی که وجود دارد، بی ارزش کنند.

تا این جا اینها علیه این کشور و ملت و اقتصادش اقدام می کنند. همه باید مواظب باشند. من به شما عرض کنم: شیطانی که قرآن، در منطق دین، آن را مظهر شرّ و فساد دانسته است، در منطق انقلاب هم وجود دارد. این شیطان، «استکبار» است که دشمن انقلاب است. از همه شیطانها رذلت و خبیثتر، دولت ایالات متحده امریکا است. زن و مرد ایرانی و آحاد ملت در سرتاسر این کشور، بدانند که امروز هیچ دشمنی برای آنها از این مسؤولین امریکایی که امروز سردمدار امور کشور امریکا هستند، بدتر، خبیثتر و خطرناکتر نیست. آنها دائم علیه جمهوری اسلامی و این ملت توطئه می کنند. البته سرشان هم دائم به سنگ می خورد؛ اما ادب نمی شوند. یکی از رئیس جمهورهای امریکا، به داخل این کشور هلی کوپتر فرستاد و سر و کارش با توفان طبس، یعنی جنود غیبی الهی افتاد. اینها چه می گویند؟! می فهمند چه می کنند؟! می فهمند چرا؟! با کی مواجهند؟! این یاوه هایی که می گویند علیه کیست؟ جوابش با کیست؟ ملت ایران ملت بزرگ و نیرومندی است. ملت ایران ملت متحد و با فرهنگی است. من تعجب می کنم چرا اینها از گذشتگان خودشان و از این شانزده سال، عبرت نمی گیرند؟! دائم علیه جمهوری اسلامی و ملت و مسؤولین ایران یاوه گویی و دروغ پراکنی می کنند! سران و بزرگان آنها، دائم راجع به جزایر خلیج فارس، تسلیحات ایران، انرژی اتمی و سلاح شیمیایی دروغ پراکنی می کنند. اگر روزنامه ها بنویسند، آدم می گوید «خوب؛ روزنامه نگارند. برای نانشان مجبورند دروغ بگویند!» رؤسای مجلس و رئیس جمهورشان می گویند! انسان تعجب می کند که چرا یک نظام، باید این قدر دچار انحطاط و نکبت معنوی شود، که به درون این مزبله دروغگویی بیفتد!

من به آنها و همه دشمنان ایران و جمهوری اسلامی می گویم: این ملت با خدا، به خود متکی است و به اسلام و جمهوری اسلامی متمسک است. این ملت انقلابی و متحد، امتّ امام و پشتیبان مسؤولین دلسوز کشور است. هر کس در سطح دنیا با این ملت و مسؤولین دربیفتد، با سر به زمین خواهد خورد.

پروردگارا! دشمنان این ملت را سرکوب کن.

پروردگارا! لطف و فضل خود را روزبه روز بیشتر بر این ملت نازل کن.

پروردگارا! دلّهای این ملت را روزبه روز بیشتر به نور امید منور فرما.

پروردگارا! به محمد و آل محمد، دشمنان را به خودشان مشغول کن؛ روزهای خوشتر، شیرینتر و شادتر را برای این ملت، در آینده نزدیک، مقدر فرما.

پروردگارا! درجات شهادی عزیز ما را که این راه را برای این ملت کوبیدند و محکم کردند، روزبه روز عالیتگر دان.

پروردگارا! ملتها و گروههای مظلوم در سرتاسر عالم را از نصرت و ظفر خودت برخوردار فرما.

پروردگارا! صهیونیستها را به مزبله دان تاریخ بیفکن.

پروردگارا! ملتهای فلسطین، لبنان، بوسنی، چین، افغانستان، کشمیر، تاجیکستان و بقیه ملتهای مسلمان را در هر جا که هستند از لطف و فضل خودت برخوردار گردان.

پروردگارا! قلب مقدّس ولی عصر را نسبت به ما مهربان و او را از ما راضی و خشنود فرما.

پروردگارا! به محمد و آل محمد، ما را مشمول دعای آن بزرگوار قرار بده.

پروردگارا! ما را از یاران و سربازانش قرار بده.

پروردگارا! ما و پدر و مادر و گذشتگان ما را، بیامرز. این ملت را، روزبه روز، بیش از پیش مشمول فضل و لطف و



رحمت خودت قرار بده. روح مطهر امام و فرزندش، رضوان الله تعالی علیهما را، در درجات عالیہ جایگزین گردان.
والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته.